

حقیقت رضایت خداوند از بندگان با توجه به شرح دعای کمیل

زینب کتابی^۱

چکیده

انسان های مومن در طول دوران زندگی خود سعی کردند که رضایت الهی را کسب کنند . همواره در تلاش بودند تا رفتارها و اعمالی را انجام دهند که مورد خشنودی خداوند متعال باشد که در شریعت مقدس انسان این اعمال بیان شده است و به مسلمانان همواره توصیه شده که به آنها عمل کنند تا خشنودی پروردگار را به دست آورند . امیر المومنین علی (علیه السلام) در دعای کمیل این اسباب و بندگی را به خوبی بیان کرده است. چنانکه به زیبایی به بیان حقیقت رضای الهی پرداخته است و به مومنین گوشزد کرده که بندگی کردن و به دست آوردن خشنودی و رضایت پروردگار هستی در بستر چه اعمالی قرار دارد . این اعمال شامل عمل صالح ، خدمت به خلق ، صبر و بردباری ، ایمان ، توبه ، پرهیز از گناه و عبادت است. این پژوهش که به شیوه توصیفی – کتابخانه ای نگاشته شده وهدف از نگارش آن رسیدن به حقیقت رضای الهی در شرح دعای کمیل است که به معنای رضای خداوند و بیان این اعمال پرداخته در نهایت به این نتیجه رسیده است که دعا و مضامین الهی علاوه بر اینکه راهی برای رسیدن به حاجات و خواسته ها به درگاه پروردگار است ، درس خود شناسی و انسان شناسی را بیان کرده و توانسته بسیاری از توصیه اخلاقی را با کمی تأمل در فراز های آن به خوبی عنوان کند.

واژگان کلیدی: رضایت الهی، خشنودی، دعای کمیل، حقیقت رضای الهی

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه فاطمیه پاکدشت

رضایت و خشنودی خداوند متعال با آنکه غنی بالذات است و هیچ احتیاجی به ایمان بندگان و لوازم ایمان ندارد ، در این است که بندگان همیشه در مقام تقرب به او باشد . این رضایت در حقیقت همان طاعت و خدمت در راه اوست. باید بدانیم بسیاری از اعمال ، در دنیا محل ابتلای ما خواهد شد. که هر کدام از این اعمال مورد رضای خداوند است. در واقع هدف باید این باشد که تمام عمر یاد خدا و طاعت او و عبادت باشد. تا به آخرین درجه قرب مستعد خود برسیم . رضایت و خشنودی خداوند امری نسبی است . به این معنا که خداوند مجموعه قوانینی را برای تکامل و پیشرفت بشریت و سعادت و خوشبختی آنان فرستاده است. انسان کامل کسی است که با اطاعت کلیه ی قوانین الهی ، رضایت و خشنودی خدا را کسب کرده باشد. امیرالمومنین (علیه السلام) در دعای پر فیض کامل نیز حقیقت رضای الهی را به زیباترین شکل بیان می کند و با فروتنی خود را بنده ای نا چیز و پروردگار هستی را رحیم و حکیم و محضر غنی و مالک جهان هستی بیان می کند. اهمیت داشتن این موضوع از باب شناخت خداوند و خود یادآوری آنچه که حقیقت یک انسان است. آشکار می شود . همانطور که ضرورت دانستن رضایت خداوند در اعمال انسان که در دعای کامل بسیار زیبا بیان شده است. در خود سازی ، تربیت ، تربیت و توحید (خداشناسی) نمود پیدا میکند. و اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً مشهود میشود. و منجر به بهبود زندگی بهتر در زمره خانواده و جامعه میگردد.

در زمینه رضایت خداوند از بندگان مطالعات زیادی صورت گرفته است از جمله مقاله «نشانه های رضایت خدا از بندگان» نوشته علی مشکینی اشاره کرد که در آن به بررسی نشانه های رضایت الهی پرداخته و از وایات بسیاری به عنوان مصادیق این روایات استفاده است. امروزه با توجه به هجوم فرهنگ غرب بر جامعه اسلامی در زمینه انسان شناسی و خود سازی نیاز به پرداختن به این مهم به صورت جزئی تر و در راستای سخنان زیبایی امیرالمومنین به عنوان ارائه الگوی صحیح افزایش می یابد.

از این رو ما برآنیم تا مشخص کنیم حقیقت رضایت خداوند از بندگان با توجه به شرح دعای کامل چیست؟ از جمله اهداف این پژوهش بررسی دعای کامل و بیان حقیقت رضایت خداوند از بندگان با توجه به آن است. در نتیجه دعای کامل به ما درس تهذیب و خودسازی و توبه می دهد و باید سعی کرد که با تدبیر در محتوا و توجه به این دعا به التفات به قصورها و تقصیرها و کوچکی نفس خویش از یک طرف و عظمت و بزرگی کسی که در حضورش هستیم را درک کنیم.

۱- مفهوم شناسی

برای ورود به بحث اولین گام، شناخت معنای الفاظ اصلی بحث می باشد.

۱-۱ معنای رضا

رضا از ر ضی به صورت ناقص یا ثبوتی (ر ض و) به صورت ناقص واوی است و در هر صورت در مقابل خشم است و برخی آن را به معنای موافقت با میل و خواسته انسان دانسته اند.^۱ در میان عامه مردم به معنای موافقت دل با عملی از اعمال است بدون اینکه ناراحت شود و احساس تضادی، کند مثلاً میگویند فلانی به فلان امر راضی شد یعنی موافقت کرد و از آن امتناع نورزید و این رضایت به صرف کراهت نداشتن حاصل می شود و لازم نیست که دوست هم داشته باشد.^۲

در معنای رضا تعقب بعد از فعل در نظر گرفته شده است یعنی باید فعل یا چیزی واقع شود و سپس نسبت به آن فعل یا چیز رضایت قرار بگیرد. رضا یکی از اوصاف صاحبان شعور و اراده است و برای غیر صاحبان شعور به کار نمی رود؛ مثلاً هیچ وقت نمیگوییم این سنگ از من راضی است. رضا و خشنودی همواره به اوصاف و افعال مربوط میشود نه به ذوات مثلاً میگوییم من از اوصاف و افعال فلانی راضیم و نمیگوییم من از این گل راضی هستم و اگر گاهی میبینیم که به ذوات هم مربوط میشود حتماً عنایتی در کار هست و بالاخره برگشتش باز به همان معنی میشود مانند آیه: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى هُرْگَزَ يَهُودَ وَ نَصَارَى از تو راضی نخواهند شد.»

که هر چند عدم رضایت یهود و نصاری را مربوط به شخص رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم کرده، ولی میدانیم که منظور رفتار رسول خداست و معنایش این است که یهود و نصاری هرگز از رفتار تو راضی نمیشوند مگر آن که چنین وچنان کنی. نصاری هرگز از رفتار تو راضی نمیشوند مگر آن که چنین و برخی از صفاتی که برای خداوند به کار میروند، در مورد انسان هم استفاده میشوند؛ مانند رضایت و خشنودی (رضی الله عنهم) که

^۱ محمد بن مکرّم، ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، ج ۱۴، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ هـ.ش. ص ۳۲۴.

^۲ خلیل بن محمد، فراهیدی، العین، چاپ دوم، ج ۷، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۵۷.

^۳ حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، تهران، بنگاه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ هـ.ش، ص ۱۵۲.

^۴ بقره/۱۲۰.

به دفعات در مورد برخی از افراد به کار رفته است؛^۱ به عنوان نمونه قرآن درباره راستگويان می‌فرماید «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» خدا گفت: این روزی است که راستگويان را راستی گفتارشان سود دهد از آن آنها است بهشتهایی که در آن نهرها جاری است همواره در آن جاویدان خواهند بود. خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. و این کامیابی بزرگی است.

۱-۳- رضایت الهی

در قرآن کریم در آیات بسیاری صیغه های مختلف ماده (رضی) به خداوند نسبت داده شده و از اصطلاحاتی مانند: «رضوان الله» استفاده شده است و به عنوان صفتی از اوصاف الهی بر شمرده شده است. «... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند و این مقام والا برای کسی است که از پروردگارش بترسد! رضایت درباره خداوند با آنچه درباره بندگان است متفاوت می باشد و درباره رضایت و غضب خداوند نظرات مختلفی وجود دارد و در علم کلام مباحث بسیاری را به خود اختصاص داده است، برخی آن را به معنای عقاب و ثواب میدانند.^۲

برخی آن را به معنای اراده بر ثواب و عقاب میدانند ثواب و عقاب را فعل و رضایت و سخط را حالتی نفسانی غیر از فعل میدانند. همان گونه که میدانیم خشنودی به معنایی که برای ذات باری تعالی به کار رفته با خشنودی انسان فرق میکند. خشنودی در انسان یک نوع توجه قلبی و جاذبه روحی است، در حالیکه خداوند نه قلب دارد و نه روح و ذات خداوند از هر تغییری منزّه است؛ لذا تاثیر پذیری و انفعال در ذات خدا راه ندارد و محال است مخلوقات در ذات خدا تاثیر بگذارند. بنابراین نه محال است مخلوقات در ذات خدا تاثیر بگذارند.

^۱ محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، ج ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ هـ ش، ص ۵۰۸.

^۲ مانده/۱۱۹.

^۳ بینه/۸.

^۴ علی اکبر، قرشی، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، ج ۱۰، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ هـ ش، ص ۲۰۱.

^۵ محمد بن حسن، طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، مترجم: حسین صابری، چاپ اول، ج ۳، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸ هـ ش، ص ۴۷۶.

بنابراین نه رضایت خدا از سنخ تاثیرپذیری و انفعال است و نه غضب او خشنودی و غضب خدا از صفات فعلی او هستند و صفات فعلی خدا از نسبتی که بین خدا و فعل او (مخلوقات) وجود دارد انتزاع میشوند همان گونه که صفات و اسمای فعلی انسان نیز از رابطه بین انسان و فعلش انتزاع میشوند به عنوان مثال وقتی کسی کارش درست کردن وسائلی مانند در و پنجره و... از چوب، است به اعتبار فعلش به او نجار گفته میشود اما نجار بودن جزو ذات انسان نیست نجاری در اصل صفت انسان، نیست بلکه صفت فعل او است؛ لذا ما از فعل انسان نه از ذات او نامی مانند نجار را انتزاع نموده و به انسان نسبت میدهیم انتزاع صفات و اسمای فعلی خدا نیز به همین ترتیب از نسبت خدا به فعلش انتزاع میشوند؛ و افعال خدا، مخلوقات خدا هستند، بنابراین با صرف نظر از وجود، مخلوقات نه رضا برای خدا معنا دارد و نه غضب.^۱

به عبارت دیگر، رضای خدا و غضب او در واقع به گونه ای تحقق عینی خود مخلوق، است ولی از آن جهت که این مخلوق رابطه ای با خدا دارد از آن، مخلوق صفت و اسمی فعلی برای خدا انتزاع میکنیم، بنابراین رضایت خدا از اوصاف فعلیه او، است، نه ذاتیه او در ذاتش متصف به صفتی نمیشود که قابل تغییر و تبدل است و در نتیجه ذاتش هم با آن تغییر و تبدل یابد، اگر بندگان یک روز نافرمانیش، کنند دچار خشم گردد، و در روز دیگری یک روز نافرمانیش، کنند دچار خشم گردد، و در روز دیگری اطاعتش کنند راضی شود اگر میگوییم خدا راضی میشود معنایش این است که او با بنده خود معامله رضایت میکند؛ بر او رحمت میفرستد و نعمتش را ارزانی اش میدارد او را به پاس بندگی و اطاعتش بهشت و نعمتهای بهشتی ارزانی می دارد و اگر میگوییم غضب میکند معنایش این است که او با بندهاش معامله غضب میکند؛ یعنی رحمت خود را از او دریغ نموده او را دچار عذاب میسازد؛ از اینرو ممکن است که نخست راضی شود و بعد به جهت نافرمانی بنده اش غضب کند یا بر عکس، ابتدا غضب کرده و بعد به دلیل اطاعتی که از بندهاش سرزد از او راضی شود.^۲

به بیان دیگر اگر رضای خدا از صفات ذاتیه او بود و خداوند در ذاتش متصف به رضا، بود البته این صفت تغییر نمی پذیرفت و در هیچ حالی زایل نمیشد در حالی که انسان اگر امروز کار خوبی کند خدا از او راضی است و

^۱ ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، ج ۶، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲هـ ق، ص ۱۰۵.

^۲ روح الله، موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲هـ ش، ص ۱۷۰.

۵- راهکارها

برای اینکه انسان بتواند از عواقب نارضایتی الهی در امان باشند راهکارهایی وجود دارد از جمله اینکه :

۵-۱- پرهیز از رذایل و صبر در مقابل هوای نفس تا قدرت حق

یابی و حقیقت فهمی و توانایی قلب در تولید یقین فرونگاهد و دل به بیماری مبتلا نشود همان طور که قرآن کریم توانایی درک آیات خود را منوط به وجود صبر بسیار و شکرگزاری در انسان می داند. و امام علی علیه السلام: فرمود هر که از فرمان خدا سرپیچی نماید به شک دچار گردد.^۱ در بحث علت، شناسی، جایگاه تاثیر رذایل و گناهان در ایجاد شک در دل، بیشتر تبیین شد. تقویت یقین زیرا امام علی علیه السلام می فرماید: انسان مخلص و نیز فرد صاحب یقین که یقینش صادقانه و صحیح باشد در شک نمی افتد.^۲

۵-۲- کسب معرفت نسبت به انواع نعمت ها

نخستین راه تحصیل شکرگزاری کسب معرفت و تفکر در انواع نعمت های ظاهری و باطنی خداوند است؛ چرا که توجه و تفکر کند. در این، نعمات ریشه های ناسپاسی را در انسان می سوزاند و روح شکرگزاری را در انسان تقویت می سعدی چه زیبا میگوید هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات پس در هر، نفس دو نعمت است و بر هر نعمت شکری واجب.^۳

۵-۳- توجه به اهمیت شکرگزاری

توجه به آیات و روایاتی که در باب شکرگزاری وارد شده است، انسان را به کسب این صفت و بهره مندی از عواقب آن ترغیب می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند کسی که چیزی بخورد و شکر

^۱ حسن بن علی، ابن شعبه، تحف العقول، قم، چاپ اول، نشر علی علیه السلام، ۱۳۸۷ هـ ش، ص ۴۰۹

^۲ روح الله، موسوی خمینی، شرح حدیث و حنود عقل و جهل، قم، چاپ سوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ هـ ش، ص ۲۷۸.

^۳ احمد، نراقی، معراج السعادت، قم، چاپ اول، نشر طوبای محبت، ۱۳۸۵ هـ ش، ص ۶۸۰.

کند، اجر او مثل کسی است که برای خدا روزه گیرد و کسی که بدن او صحیح باشد و شکر نماید اجر او مثل اجر مریضی است که صبر کند و اجر غنی شاکر، مثل اجر فقیر قانع است.^۱

۵-۴- توجه به بلای نازل شده

انسان باید به این مسأله بیاندیشد که هر مصیبت و بلایی از بلاهای دنیا که بر او فرود آید بدتر از آن هم تصور می شود، لذا باید شکر کند که گرفتار بدتر از آن نشود نقل شده است کسی به یکی از بزرگان شکایت برد و گفت: دزد به خانه من آمده و همه چیز را با خود برده است به او: گفت برو شکر خدا کن که اگر به جای آن دزد شیطان به خانه تو می آمد و ایمان تو را می برد چه می کردی؟^۲

^۱ همان ، ص ۶۷۵.

^۲ محسن ، فیض کاشانی ، محجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء ، ج ۷ ، تهران ، نشر فرهوش ، ۱۳۹۶ هـ ش ، ص ۲۲۷.

نتیجه

این پژوهش با عنوان حقیقت رضایت خداوند از بندگان با توجه به شرح دعای کمیل است و با تکیه بر شرحی از دعای کمیل انجام شده و به این نتیجه می‌رسد که رضایت خداوند از بندگان خویش در اعمال و رفتار انسان‌ها نهفته است. این حقیقت و ویژگی‌های آن در دعای گرانقدر کمیل تصریح شده است. دعای کمیل این موضوع را گوشزد می‌کند که آدمی چه موهبت‌هایی را با بی‌توجهی و انجام گناهان متعدد از دست می‌دهد. نتیجه آنکه در زندگی ناامید و غمگین می‌شود. امیرالمومنین علی علیه السلام با مهارتی ویژه و زیبا سعی کردند وضعیت نامطلوب به یک انسان خطاکار و بحران‌های او را که از الطاف الهی دور شده است، نشان دهند. وجه انتخاب فرازهایی از این دعا در مضامین مختلف نشان دهنده آن است که دعای کمیل از جمله منابع دینی اسلامی است که از نظر خودسازی و خداشناسی تاثیر فوق العاده‌ای بر ابعاد عبادی، اعتقادی، اخلاقی و... انسان می‌گذارد و در آن می‌توان مولفه‌ها و مصادیقی را مشخصاً به ابعاد مختلف وجودی انسان اشاره کرد همان گونه که ما توانستیم حقیقت رضایت خداوند از بندگان خویش را در شرح دعای کمیل بیابیم لذا این عوامل همچنان که رضایت الهی را در پی دارد عدم عواقب از نارضایتی عبد را نیز به دنبال خواهد داشت. و برای در امان بودن از این عواقب راهکارهایی نیز وجود دارد که بیان شد.

پیشنهادهای این پژوهش شامل پیشنهادات کاربردی و پژوهشی است.

پیشنهادهای کاربردی: ۱- تبیین بیان رضایت الهی در مراسمات مناجات دعای کمیل ۲- تهیه فیلم‌های مستند در باب دعای کمیل و تاثیر آن بر اقشار مختلف جامعه.

پیشنهادهای پژوهشی: ۱- نوشتن مقاله‌های با مضامین خودشناسی در شرح دعای کمیل ۲- نگارش کتبی با شرح دعای کمیل همراه با تفسیر فرازهای آن.

منابع

*قرآن کریم

*دعای کمیل

منابع عربی

- ۱- اردبیلی، عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ هـ.ش.
- ۳- ابن طاووس، علی بن موسی اقبال الاعمال، چاپ اول، قم، نشر قرآن صاعد، ۱۳۳۵ هـ.ق.
- ۴- جریر، ابو جعفر محمد بن، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۸- خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۱۰- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مترجم: حسین صابری، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸ هـ.ش.
- ۱۱- فراهیدی، خلیل بن محمد، العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۱۲- فیض کاشانی، محسن، محجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۸، تهران، نشر فرهوش، ۱۳۹۶ هـ.ش.
- ۱۳- قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۴- قرشی، علی اکبر، اختیار مصباح المتهجد (فی الادعیه)، چاپ اول، قم، نشر دلیل ما، ۱۳۹۰ هـ.ش.
- ۱۵- کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین و الرع الحصین، چاپ اول، تبریز، نشر زبان آکادمیک، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- ۱۶- مجلسی، محمد باقر زاد، المعاد، چاپ اول، تهران، نشر سعدی، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر بحار الأنوار؛ چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۱۸- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، تهران، بنگاه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ هـ.ش.

منابع فارسی

- ۱- جوادى آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، چاپ اول، تهران، نشر خانه کتاب و ادبیات ایران، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۲- جوادى آملی، عبدالله، بنیان ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۳- جوادى آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی، ج ۵، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۴- صفایی حائری، علی، انسان در دو فصل، قم، نشر لیلہ القدر، ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۵- صفایی حائری، علی، حرکت، قم، انتشارات لیلہ القدر، ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۶- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن؛ چاپ یازدهم تهران صدرا، ۱۳۸۹ هـ. ش.
- ۷- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، قم، نشر صدرا، ۱۳۹۲ هـ. ش.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، نشر علی بن ابی طالب، ۱۳۷۸ هـ. ش.
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ هـ. ش.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، مفاتیح نوین، مترجم: هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، بی جا، نشر علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۱۲- موسوی خمینی، روح الله، چهل حدیث، چاپ سیزدهم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ هـ. ش.
- ۱۳- موسوی خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲ هـ. ش.
- ۱۴- نراقی، احمد، معراج السعادت، قم، چاپ اول، نشر طوبای محبت، ۱۳۸۵ هـ. ش.